

بررسی تطبیقی تاثیر اندیشه های سیاسی در تحولات معماری ایران و ترکیه در سال های ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵ میلادی

مانی یوسفی

دانشجوی دوره دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، نور، ایران

maniusefi@yahoo.com

چکیده

از حدود سال ۱۹۲۵، با به قدرت رسیدن رضا شاه در ایران و آتاتورک در ترکیه، ایده های جدید معماری و شهرسازی همراه با تغییرات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پدیدار شد و معماری به عنوان یک محصول و ابزاری برای تحکیم رفتار سیاسی رهبران این کشورها تحت تاثیر فرایند نوسازی قرار گرفت. تحولات معماری در هر کشور منعکس کننده عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن کشور می باشد و داشتن درک صحیح از جایگاه معماری معاصر هر سرزمین بدون شناخت از تحولات معماری مناطقی که دارای اشتراکات فرهنگی، دینی، منطقه ای و سیاسی با آن می باشند، امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین در این مقاله تلاش شده است نقش جریانهای سیاسی سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵ در معماری ایران و ترکیه بررسی شود و در این راستا نقش رضاشاه و آتاتورک به عنوان نخبگان سیاسی مورد مطالعه قرار گیرد. روش تحقیق بصورت تحلیل محتوا و بررسی تطبیقی نمونه های موردی معماری ترکیه و ایران است تا تاثیر جریان یاد شده مورد تحلیل قرار گیرد. تحقیقات بیانگر تعامل بین معماری و سیاست است که با استفاده از آن می توان عوامل تاثیرگذار بر معماری را شناسایی و تا حدودی سبک و سیاق معماری را قابل پیش بینی نمود. این مقاله در نتیجه گیری استدلال می کند که سیاست در کشورهای خاورمیانه، با توجه به وضعیت تاریخی و فرهنگی آنها، اقتضائات خاص خود را داشته و با وجود استراتژی های موازی در عرصه های سیاسی رضا شاه و آتاتورک، معماری مدرن در ایران و ترکیه بصورت متفاوت نشان داده شده است. از سوی دیگر تفاوت های فردی رضاشاه و آتاتورک در تعامل با این خصوصیات نیز باعث تفاوت معماری دو کشور بوده است.

واژگان کلیدی: جریان های سیاسی، معماری ایران و ترکیه، نخبگان سیاسی

۱- مقدمه

همزمان با برخورد و تماس حوزه های تمدنی با همدیگر و ورود یا تحمیل پارادایم مدرنیزاسیون به کشورهای حاشیه ای و آغاز نوسازی اقتصادی، بسیاری از ساختارهای سنتی نیازمند تطابق با مناسبات جدید بودند. به واسطه درهم تنیدگی نهادهای اجتماعی و سازگاری آنها، تغییر در حوزه اقتصادی، ناگزیر تغییرات حوزه های دیگر را به دنبال داشت و از اینرو کشورهایی که به جهان سوم شهره هستند، خود را با لزوم تحولی بنیادین در عین و ذهن مواجه دیدند. حوزه سیاست نیز از این قاعده برکنار نماند و با منطبق نوینی از اعمال و توزیع قدرت روبه رو شد که ساختارهای سنتی از عهده آن بر نمی آمدند و تجدید ساختار سیاست ضروری می نمود. از سویی گروهی از نخبگان سیاسی این کشورها با فرهنگ سیاسی سنتی اجتماعی شده بودند و حاضر به پذیرش منطبق نوین سیاست نبودند و از طرفی دیگر برخی نخبگان اجتماعی نیز منافع خود را در اعمال قواعد نوین ارزیابی می کردند؛ در نتیجه این دو گروه از نخبگان، دو جبهه در کشورهای درحال توسعه گشودند که اثرات بسیاری در آینده این کشورها به جا گذاشت (فرهادی و کاظمی، ۱۳۹۶). در منطقه خاورمیانه و سال های بین دو جنگ جهانی برخی رهبران سیاسی قدرتمند نظیر رضاشاه در ایران و آتاتورک در ترکیه پروژه تعامل مدرنیته و ملی گرایی پر حرارت را در برنامه های

قوانین شخصی خودشان تعریف و ادغام کرده و در صدد بودند پروژه مدرنیزاسیون کشورهاشان را نه تنها به عنوان یک آرزو و غایت غیر قابل اجتناب، بلکه به عنوان شیوه ای برای احیای ملت ارائه دهند. رضا شاه خود را به عنوان پادشاه و نظریه پرداز برجسته ای می دید که می تواند موانع وحدت ملت را از پیش رو برداشته و به دنبال وعده هایی که مدرنیته با خود داشت برود. آتاتورک با چالشی به همان اندازه بزرگ، روبرو شد که شاه ایران نیز روبرو شده بود. بازسازی ملت از بقایای اساسی امپراطوری عثمانی نیازمند یک تصویر آرمانگرایانه از آینده بود. آتاتورک خود را به عنوان مظهر ملت و بازنمایی کننده امکانات آینده معرفی کرد (Bozdoghan, 2001).

در این تغییرات سیاسی و اجتماعی بروز جنبش های فرهنگی و اجتماعی و به تبع آن ظهور گرایش های معماری اجتناب ناپذیر بود (سهیلی و دیبا، ۱۳۸۹). جریان تولید یک گرایش داخلی در معماری یک کشور یا اقتباس از رویکردهای مطرح در سرزمین های خارجی در شکل دادن به محیط معماری و شهرسازی هر سرزمین علی رغم وجود شباهت های کلی و پیروی از مدل و الگوهای تطبیق یافته دارای تفاوت ها و خصوصیات منحصر به فردی است. این تفاوت ها و تشابهات متأثر از عوامل پس زمینه اجتماعی و سیاسی و ریشه های فرهنگی و تاریخی سرزمین هاست (حسن پور و سلطان نژاد، ۱۳۹۵). به عقیده ایلهان تکلی شناخت مزیت ها و کاستی های تولید چنین گرایشهایی و دست یابی به چهارچوب نظری در شناخت معماری و شهرسازی هر کشور بدون انجام تحلیل های مشابه در مورد کشورهای پیرامونی امکان پذیر نیست (Tekeli, 2005). ایران و ترکیه به عنوان دو کشور خاورمیانه ای که مشترکات و افتراقات بسیاری دارند، دو مورد مطالعاتی مناسب برای مقایسه جریانهای سیاسی در معماری هستند. مقایسه ایران و ترکیه دارای امتیازات و اولویت های نظری خاص است؛ به این معنی که شرایط تاریخی و فرهنگی و همچنین مقطع آغاز توسعه در آنها شباهت های بسیاری دارد که مفروضات اساسی مطالعات تطبیقی را تأمین می کند. در هر دو کشور نخبگان آغازگر توسعه بوده اند، وضعیت فرهنگی و نوع و جایگاه مذهب در دو کشور شباهت های بسیاری دارند و گروه های اسلام گرا همواره جایگاه قابل توجهی در فرایندهای سیاسی دو کشور داشته اند، هر دو کشور در منطقه خاورمیانه قرار دارند و وضعیت اقتصادی آنها کمابیش همسان و مقطع آغاز نوسازی در آنها همزمان است. این مقاله در جستجوی تاثیر جریانهای سیاسی در تفاوت معماری در زمانه آتاتورک در ترکیه و رضاخان در ایران (۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵ میلادی) است.

ایران و ترکیه در مقطع موردبررسی، یعنی سال های ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵، هنوز کمابیش با مناسبات سنتی در سیاست و اقتصاد اداره می شدند و مواجهه ناگهانی آنها با تمدن غرب، آنها را با خلاء ساختارها و زمینه های لازم برای انطباق با شیوه نوین روبه رو گردانید از اینرو اساساً ساخت دولت -ملت جدید در این کشورها از بالا و از سوی نخبگان آغاز شد؛ همین تغییر از بالا گواه فقدان زمینه های نرم افزاری و سخت افزاری برای شکل جدید حکومت در این کشورهاست. به دلیل فقدان توسعه نهادهای سیاسی، قدرت نخبگان در جوامع در حال توسعه ای مانند ایران و ترکیه، بسیار بیشتر از جوامع صنعتی، با مسیر توسعه خاص آن ها گره خورده است (فرهادی و کاظمی، ۱۳۹۶). با این اوصاف، باید در نظر داشت که در دو کشور ایران و ترکیه در مقطع زمانی مورد بررسی، دولت -ملت به عنوان یکی از مؤلفه های توسعه سیاسی، هنوز در حال شکل گیری است؛ لذا بحث از توسعه سیاسی در این کشورها قرین با آغاز آن است و از این رو به خاطر عدم انطباق ساختاری، توجهات بیشتر معطوف به نخبگان این کشورها خواهد بود. فرض اساسی این مقاله بر این امر استوار است که ویژگی های شخصی، اعم از باورها و ارزش های رضا خان و آتاتورک، به عنوان نخبگان اثرگذار دو کشور ایران و ترکیه، نقش مؤثری در نوع و میزان توسعه سیاسی این کشورها داشته اند. این فرضیه می تواند به فرضیات جزئی تر تجزیه شود: (۱) ارزش ها و باورهای رضاخان و آتاتورک نقشی اساسی در توسعه سیاسی کشورهای شان داشته است. (۲) نحوه مواجهه آنها با شرایط و مقتضیات ساختاری عاملی تعیین کننده در توفیق آنان در توسعه سیاسی بوده است. (۳) نحوه مواجهه آنها با دین اسلام به عنوان عامل مشترک، در میزان موفقیت آنها در توسعه سیاسی اثرگذار بوده است (اسدی، ۱۳۷۹).

۲- روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ محتوا نوعی پژوهش کیفی بر مبنای مطالعات تطبیقی است و موارد مطالعه نیز بررسی ویژگی های رضاخان و آتاتورک و فعالیتهای معماری انجام شده در بستر جریانهای سیاسی سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵ میلادی است. از همه شیوه های مقایسه، اعم از توافقی و تفاوتی، در فرایند مقایسه استفاده گردیده است. در حقیقت این مقایسه بیرونی می باشد و

یک مورد با فخره ای دیگر از نوع خود مقایسه می گردد. لذا افتراقات و اشتراکات همزمان مورد بررسی قرار گرفته و درنهایت نیز به بررسی چالش های معماری دو کشور ایران و ترکیه در بازه زمانی مورد نظر پرداخته می شود.

۳- بررسی ویژگی های رضا خان و آتاتورک

رضا پهلوی (متولد ۲۴ اسفند ۱۲۵۶ در آلاشت مازندران، درگذشته ۴ مرداد ۱۳۲۳ در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی) نخست‌وزیر ایران از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ خورشیدی و پادشاه ایران از ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ خورشیدی و بنیان‌گذار دودمان پهلوی بود. پادشاهی رضاشاه پایان فرمانروایی قاجاریان و آغاز دوران نظام پهلوی بود. پادشاهی رضا شاه شاهد ایجاد نظم نوین بود. مدافعان رضا شاه او را پدر ایران نوین می‌دانستند. کسی که توانست نهادهای مدرن را در ایران تأسیس کند از دانشگاه تارتش و از دادگاه تا راه‌آهن. از سویی دیگر مخالفان رضا شاه او را مسئول بر باد رفتن مشروطیت در ایران می‌دانند و معتقدند اگر چه پهلوی اول توانست نظام حکمرانی به ظاهر مدرنی تأسیس کند اما دموکراسی و مجلس و انتخابات و آزادی را در ایران نابود کرد. او برای تضمین قدرت مطلق خود روزنامه‌های مستقل را بست، مصونیت پارلمانی را از نمایندگان گرفت و احزاب سیاسی را از بین برد. او با تبدیل مجلس به نهادی مطیع و تشریفاتی توانست وزرای دلخواه خود را تعیین کند. به علاوه وی با پشتیبانی دربار به مصادره زمین‌های حاصل خیز مازندران پرداخت و به زودی به ثروتمندترین مرد ایران تبدیل شد. حزب تجدد که صادقانه از رضاشاه پشتیبانی کرده بود، نخست جای خود را به حزب ایران نو و سپس حزب ترقی (سازمانی به تقلید از حزب فاشیست بنیتو موسولینی و حزب جمهوری‌خواه مصطفی کمال آتاتورک) داد؛ ولی همین حزب ترقی نیز به زودی به گمان اینکه اندیشه‌های خطرناک جمهوری خواهانه دارد برچیده شد. او با به دست آوردن قدرت بلامناع، اصلاحاتی اجتماعی را آغاز کرد. رضاشاه در دوران قدرت، اصلاحاتی انجام داد که هرچند قاعده‌مند نبود، نشان می‌دهد که وی خواهان ایرانی بود که از یک سو رها از نفوذ روحانیون، دسیسه بیگانگان، شورش عشایر و اختلافات قومی و از سوی دیگر دارای موسسات آموزشی به سبک اروپا، زنان متجدد و شاغل در بیرون از خانه، ساختار اقتصادی نوین با کارخانه‌های دولتی، شبکه‌های ارتباطی، بانک‌های سرمایه‌گذار و فروشگاه‌های زنجیره‌ای باشد. او برای رسیدن به هدفش (بازسازی ایران طبق تصویر غرب) دست به مذهب‌زدایی، برانداختن قبیله گرایی، گسترش ملی گرایی، توسعه آموزشی و سرمایه داری دولتی زد (<https://fa.wikipedia.org>).

مصطفی کمال آتاتورک (زاده ۱۸۸۱ - درگذشت ۱۰ نوامبر ۱۹۳۸) رزمنده جنگ استقلال ترکیه و دولت‌مرد، نویسنده و بنیان‌گذار جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ بود. آتاتورک از آن تاریخ تا زمان مرگش در سال ۱۹۳۸، رئیس‌جمهور ترکیه بود (<https://fa.wikipedia.org>). آتاتورک طی ۱۵ سال ریاست جمهوری خود تصمیم گرفت بر شکوه نظامی خویش تکیه نکند. او در عوض، برنامه نوسازی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ای آغاز کرد تا کشور را از بنیان تغییر دهد. برنامه وی البته با فرهنگ محافظه کارانه مذهبی آن زمان در تضاد بود و بر اهداف ملی- سکولار و مدرن تأکید داشت. این تحولات ژرف در نهادهای مهم با اصلاحاتی در مدیریت، آموزش و قانون همراه گردید. یکی از کارهای بزرگ آتاتورک ایجاد موفقیت آمیز یک قوه قضاییه مستقل و کارآمد بود. سیاست خارجی وی نیز بر افزایش قدرت در عرصه بین الملل متکی بود تا بر گسترش مرزهای ملی. نوسازی کمالیستی که از بالا تحمیل و با زور اجرا شد، از نمونه عثمانی پیروی کرد و تحول از اقتدار سنتی به قانونی را به انجام رساند. اما از نظر ایدئولوژیک، نخبگان دولتی جمهوری خواه یک برنامه جدید مشروعیت سیاسی را مطرح کردند و همین که کمالیسم بر بنیاد اقتدار حقوقی تثبیت گردید، نتوانست از چالش های تحمیلی نظام های حقوقی قانونی بگریزد. بنابراین می توان استدلال کرد پیدایش سیاست چندحزبی پس از جنگ جهانی دوم پیامد حقوقی ایجاد یک نظام جمهوری قانونی بود. (Jung & Piccoli, 2001)

از این منظر رضاخان و مصطفی کمال پاشا هر دو از یک نقطه آغاز کردند و دولت مدرن، ارتش منظم و ملی و بوروکراسی اداری برای دستگاه دولتی خود پدید آوردند اما علی رغم این اشتراکات، تفاوت های ارزشی آنها نتیجه کارشان را از هم متفاوت ساخت. رضا شاه علی رغم اقدامات اصلاح گرانه خود، خصلت شاهان پیشین ایرانی، یعنی ثروت اندوزی را نیز داشت و در زمان مرگش ۳ میلیون لیر در حساب بانکی خود داشت و حدود سه میلیون مترمربع از زمین های کشاورزی ایران را در تملک خود درآورده بود. (Abrahamian, 2008) رضاخان پس از ایجاد ثبات نسبی در کشور مورد حمایت عوام و خواص قرار گرفت؛ زیرا هرج و مرج فرساینده را از میان برداشت و کشور را به ثبات نسبی رساند. از سوی دیگر، خواص به دلیل برخی حمایت های رضاخان از مجلس او را درآمد و نویدی بر مشروطه می دانستند. برخی فعالیت های دینی او نیز توجه علما و توده عوام را در پی داشت. رضاشاه از آن پس منش دیکتاتوری در پیش گرفت و وجهه او به عنوان یک اصلاح گر مخدوش شد. او پاتریمونالیسم

تاریخی ایران را با منش و روش های خود بازتولید کرد (Katouzian, 2004). رضاشاه مجلس را سرسپرده و مطیع می خواست و از این رو لیست نامزدهای مجلس را کنترل می کرد، وی همچنین روزنامه های منتقد را محدود می کرد و جاسوسان بسیاری گمارده بود تا حداکثر کنترل را اعمال کند (Abrahamian, 2008).

در مقایسه با رضاخان، آتاتورک نیز یک دموکرات لیبرال نبود. او حاکمی اقتدارگرا بود که قدرت را به صورتی آشکار و تحمیل آمیز اعمال می کرد. او نردبان قدرت را با اتکا بر توانایی های خود بالا رفته بود و حتی دوستان خود را که مخالف حکومت فردی وی بودند، سرکوب کرد؛ با این حال تلاش می کرد اقدامات خود را در مجلس ملی به تأیید برساند. برخی معتقدند حکومت او شاید حکومتی مردمی نبوده باشد اما از بسیاری جهات و دست آخر، حکومتی برای مردم بود. (Karpas, 1959) اما برنامه های آتاتورک ساختار طبقاتی ترکیه را دست نخورده به جا گذاشت و همین عامل بسیاری از مشکلات ترکیه پس از مرگ آتاتورک شد. اما از سویی همین عامل باعث زایش احزاب رقیب در ترکیه و مشارکت آنها در قدرت گردید (Bill & Sprinberg, 1990).

در مقام مقایسه می توان گفت رهبران ایران و ترکیه هر دو دیکتاتور بودند؛ اما شخص رضاخان، خود، معیار قانون و فردی خودکامه بود و پس از او نظم موجود نیز از میان رفت و دوباره قانون هرج و مرج استبداد هرج و مرج بازتولید گردید. در مقابل آتاتورک فردی بود که دیکتاتوری اش را در قانون متجلی ساخت و این قانون اگرچه مستبدانه بود، ولی قالب آن پس از وی باقی ماند و محتوای آن متناسب با شرایط زمانه تغییر داده شد. رضاشاه بعد از خود نهادی به جا گذاشت که جانشینان او بتوانند آن رامینا قرار دهند و مجبور نباشند از نقطه صفر آغاز کنند. با این وصف به نظر می رسد تفاوت های شخصی و باورهای این دو رهبر اصلاح گر اثر مهمی در نهادمندی اقدامات آنها و قوام توسعه سیاسی و نهادهای مربوط بر جا گذاشته است (فرهادی و کاظمی، ۱۳۹۶).

– مناسبات ایران و ترکیه در ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵

مناسبات میان ایران و ترکیه، تاریخی طولانی و پیچیده دارد. شالوده روابط دو کشور در دوران نو توسط رضاشاه ریخته شد. در اوایل ۱۹۲۰، ایران و ترکیه تحت یک فرایند مدرنیزاسیون سریع توسط رضا شاه و آتاتورک قرار گرفتند در نتیجه یک دوره مدرن، در ایران از لحاظ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آغاز شد. هدف رضا شاه، رقابت با پروژه های معاصر تکمیل شده و ملی گرای آتاتورک بود. در این زمینه، روند نوسازی معماری به عنوان یک "محصول استوار ایالت ها" ابزاری برای تحکیم رفتار سیاسی رهبران شد. تجزیه و تحلیل تحولات و دگرگونی در ایالت های مدرن، اطلاعاتی در زمینه تاریخ سیاسی- اجتماعی و فرهنگی- سیاسی می دهد. این استدلال نشان میدهد که با وجود استراتژی های موازی در سیاست های رضا شاه و آتاتورک، معماری مدرن به عنوان یک نتیجه دستور کار سیاسی، نتایج متفاوتی در ایران و ترکیه را داشته است (میرزاعلی پور و کامل نیا، ۱۳۹۴). تعاملات سیاسی و فرهنگی ایران و ترکیه در سال های نخست قرن بیستم در دو سطح قابل بررسی است: اول، برقراری ارتباط سیاسی بین رؤسای دولت ایران و ترکیه در جهت تعمیق روابط و دوم بروز روابط فرهنگی و اجتماعی بین روشنفکران دو کشور که عمدتاً موجب بروز وقایع سیاسی مردمی و مسایل فرهنگی در کشور ایران شد.

دیدار رضاشاه در سال ۱۳۱۳ از ترکیه دارای معنای فرهنگی و سیاسی مهمی بود که بر چالش های مدرنیته و هویت ملی در ایران تأثیرگذار شد. از لحاظ داخلی این دیدار رسمی برای عموم مردم دو کشور برنامه ریزی و طراحی شده بود و درست در هنگام استوارترین دوره انجام طرح های ملی گرایانه هر دو رهبر به نمایش گذارده شد و فرصتی بود برای ترکیه و ایران که نهادهای ملی جدید ساخته شده را در معرض دید دو ملت خویش قرار دهند. لذا دولت ایران روابط خود را با جمهوری جدید التاسیس ترکیه بسط داد و برای دومین بار در تاریخ صد و پنجاه ساله اخیر از اصلاحات ترکیه تقلید کرد. اما اهمیت این تقلید با آنچه که در قرن نوزدهم روی داده بود قابل مقایسه نبود و به تقلید از ظواهر تجدد در ترکیه اکتفا شد و به مظاهر اصلی تغییرات ترکیه که عبارت از جدایی میان دین و دولت، تغییر الفبا، تغییر تقویم، مشارکت سیاسی مردم در امر حکومت و اعلام جمهوری بود، توجهی نگردید (بهنام، ۱۳۸۶).

مسئله قابل توجه دیگر در بازدید رضاشاه از ترکیه، بازتاب مقالات نویسندگان ترک درباره پیوند تاریخی ایران و ترکیه بر هویت ملی دو کشور بود. در این زمینه مهم ترین شخصیت خبری ترکیه احمد آقا اوغلو بود که در روزنامه جمهوری و در طول دیدار رسمی رضاشاه از آن کشور، مطالبی در این رابطه مطرح می ساخت. مقالات وی مستقیماً به دیدار رضاشاه از ترکیه مربوط نمی شد، بلکه اندیشه های گسترده تری را درباره پیوندهای تاریخی و فرهنگی ترکیه و ایران نیز مطرح می کرد. اسطوره – تاریخ شاهنامه فردوسی از همان آغاز به درونمایه مهم این دیدار رسمی تبدیل شد. به روی صحنه آوردن اپرای "اوزسوی" به

معنی تبارناب با تکیه بر تبارشناسی اسطوره ای- تاریخی حماسه فردوسی، یکی از رویدادهای تبلیغاتی سفر آنکارا بود که رضاشاه و مصطفی کمال در آن حضور یافتند. استفاده آقا اوغلو از شاهنامه برای پی جویی تبارشناسی ترکان و ایرانیان دست کم دو هدف را دنبال می کرد: نخست این که استفاده از شاهنامه بخشی از برنامه گسترده فرهنگ ملی غیر مذهبی در هر دو کشور بود و دوم آنکه در آن زمان، رجوع به تبارشناسی اسطوره ای - تاریخی شاهنامه باعث می شد که ایران و ترکیه با تاریخ مشترکی به هم پیوند یابند (سهیلی و دیبا، ۱۳۸۹).

- تأثیرات تبیین حکومتی هویت ملی در ظهور جنبش های ملی معماری ترکیه و ایران

الف- ملی گرایی معماری در ترکیه معاصر تا اوایل دوران جمهوری

ابتدای قرن بیستم، معماری معاصر ترکیه همچون برخی کشورهای منطقه با توجه به تغییرات اساسی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی، تحت تأثیر جنبش های داخلی و نیروهای خارجی، در چند دوره جریانات معماری متفاوتی را تجربه کرده است. عده ای از منتقدین معماری ترکیه سالهای بین ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸ را به عنوان دوره گذار در احیاء معماری عثمانی نامیده اند که در ادامه به تشریح نحوه تأثیرگذاری سیاست های دولت ترکیه بر ظهور جنبش های ملی گرا در این دوره می پردازیم.

پس از جنگ استقلال (۱۹۲۰-۱۹۲۲) و اعلام جمهوری ترکیه در ۱۹۲۳، آغاز دهه دوم قرن بیستم در این کشور به طور طبیعی به ترمیم خرابی ها و تثبیت وضعیت سیاسی کشور پس از جنگ جهانی اول گذشت. اصلاحات در این کشور در صد ایجاد یک دولت ملی بر روی ویرانه های امپراتوری عثمانی بود. در حوزه معماری و شهر سازی اولویت های کارکردی به شرح ذیل معرفی شده است (Holod et al., 2005):

۱- ساخت ساختمانهای خدماتی همراه با سرمایه گذاری مهندسی مثل ملی سازی ساختمانهای نیمه تمام و بهبود شبکه حمل و نقل

۲- ترمیم شهرهای آناتولیایی که در جنگ تخریب شده بودند و ساخت بناهای خدماتی در مقیاس کوچک

۳- ساخت آنکارا به عنوان شهر پایتختی جدید

۴- برگزاری "سمینار معماری ملی" توسط سادات حکمی الدم، در سال ۱۹۳۴

۵- مستحکم شدن روابط آنکارا با اتحاد شوروی و ایتالیا که موجب تبلیغ دستاوردهای این دو کشور در زمینه ملی گرایی جدیدشان شد. در زمینه معماری نیز در سال ۱۹۳۴ نمایشگاه معماری فاشیستی ایتالیا در آنکارا و برگزاری نمایشگاه معماری فاشیستی آلمان در سال ۱۹۳۴ معماران ترک را تحت تأثیر رویکردهای جهانی به سمت رویکردهای ملی "یادبود سازی" قرار داد.

جمهوری ترکیه در صدد رها سازی خود از تصویر عثمانی و ایجاد یک ملی گرایی تلفیق شده در ایده آل های جمهوری خواهی بود. ساخت و توسعه آنکارا به عنوان شهری مدرن، حرفه معماری را با چالشی بزرگ مواجه کرد. رهبران جمهوری برای حل این مسئله به معمارانی روی آوردند که بعداً به عنوان "اولین جنبش ملی" نامیده شد. تقریباً بیشتر ساختمان های ساخته شده در این دوره از ویژگی های طراحی معماری عثمانی تبعیت می کرد. تعدادی از نمونه های اصلی پروژه های ساخته شده با ویژگی های احیاء معماری عثمانی بین سالهای ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸ را می توان در تصاویر ۱ و ۲ مشاهده کرد (سهیلی و دیبا، ۱۳۸۹).



تصویر ۲- هتل پالاس، اثر ودات تک و کمال الدین بیک،

آنکارا، ۱۹۲۷ (ماخذ: ج. سهیلی، ۱۳۸۹)



تصویر ۱- موزه مردم شناسی، اثر عاریف حکمت بیک، آنکارا،

۱۹۲۸ (ماخذ: ج. سهیلی، ۱۳۸۹)

ب- ملی‌گرایی معماری ایران در دوره پهلوی اول

به اعتقاد بیشتر منتقدان، معماری ایران در تداومی تاریخی تا پایان دوره قاجاریه تحت تاثیر عوامل داخلی و خارجی مسیر تکاملی خود را پیموده و با حفظ اصالت و هویت خاص خود فراز و نشیب‌های متفاوتی را نیز تجربه کرده است. در پایان دوران قاجاریه و آغاز دوران پهلوی کشور ایران شاهد تحولات و دگرگونی‌های اساسی است که عمدتاً تحت تاثیر عوامل خارجی بود. این تحولات در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی رخ می‌دهد که در عرصه معماری از آن به عنوان دوران "تحول و گسست"، دوران "دگرگونی و انتقال" و ... نام برده‌اند. در حوزه ملی‌گرایی معماری، بیشتر صاحب‌نظران معتقدند که معماران این رویکرد درصدد استفاده از عناصر معماری پیش از اسلام بوده‌اند (سهیلی و دیبا، ۱۳۸۹). معماری ایران در دوره بیست ساله پهلوی اول با توجه به تحولات و نفوذ اندیشه‌های معماری مدرن غرب بستر ظهور و شکل‌گیری چند گونه متفاوت در معماری به طور همزمان بوده است: (۱) معماری مدرن (۲) معماری سنتی (۳) معماری باستان‌نگرای ایرانی (۴) معماری نئوکلاسیک غرب.

از سیاست‌های مهم رضا شاه، احیای عظمت پارس پیش از اسلام در معماری بود که سمبل‌هایی از وحدت فرهنگی ایران و هویت ایرانی را هویدا می‌نمود که باعث پرورش مفهوم ناسیونالیسم برای ایران و معماری ایرانی گردید. بنابراین می‌توان آغاز ملی‌گرایی در معماری ایران را در دوره پهلوی اول دانست که ظهور این جنبش‌ها بر مبنای سه وجه غالب در تأثیر پذیری از گرایش‌های اجتماعی به شرح ذیل بوده است:

معماری ملی‌گرا با گرایش به معماری مدرن غرب

در دوره پهلوی اول، حضور مستشاران آلمانی در حوزه‌های مختلف و انتقال رویکردهای باستان‌گرایانه توأم با سلطه طلبی دیکتاتورهای فاشیسم اروپا به ایران، موجب شد در حوزه معماری نیز بخشی از تحولات بر این مبنای رخ دهد. حضور گسترده و فعال شرکت‌های خارجی که عمدتاً شرکتها و مهندسين آلمانی بودند باعث شد تا گونه‌ای از ملی‌گرایی معماری بر اساس الگوهای معماری مدرن غرب با حفظ برخی تزئینات به صورت محدود مربوط به پیش از اسلام در نمای ساختمان‌ها شکل گیرد. از دیگر ویژگی‌های این جنبش ملی‌گرایی در معماری می‌توان به تبعیت کاربرد مصالح بر اساس ویژگی‌های معماری مدرن از جمله ساختمانهای زیر اشاره کرد (قبادیان، ۱۳۹۵):

۱- ساختمان کاخ وزارت دادگستری، اثر گابریل گورکیان، تهران، ۱۳۲۵-۱۳۱۶

۲- بانک ملی ایران، اثر محسن فروغی، تبریز

۳- بانک ملی ایران، شعبه بازار تهران، اثر محسن فروغی، ۱۳۲۰

۴- بانک ملی ایران، شیراز، اثر محسن فروغی، (تصویر ۳)

معماری ملی‌گرا مبتنی بر گرایش به معماری پس از اسلام

تا آنجا که حکومت پهلوی اول دارای یک حرکت و چرخش از دین دوستی در دهه اول به دین‌گریزی و دین‌ستیزی در دهه دوم بود این پدیده در تأثیر پذیری تداوم معماری سنتی ایران قابل مشاهده است. تعدادی از بناهایی که در دوره پهلوی اول در ایران احداث شد بر اساس معماری سنتی و پیشینه اسلامی بود. از جمله این ساختمان‌ها می‌توان به بناهای ذیل اشاره کرد (کیانی، ۱۳۸۳):

۱- بیمارستان شاه رضا (امام رضا علیه السلام)، اثر کریم طاهر زاده بهزاد، مشهد، ۱۳۰۷

۲- ساختمان مرکزی پست، اثر نیکلای مارکوف، تهران، ۱۳۱۳

۳- کالج آمریکاییها (دبیرستان البرز)، اثر لئون مارکوف، تصویر ۴، تهران، ۱۳۰۴

۴- مدرسه ایرانشهر، اثر آندره گدار، یزد، ۱۳۱۳



تصویر ۴- دبیرستان البرز، تهران (ماخذ: ج. سهیلی، ۱۳۸۹)



تصویر ۳- بانک ملی ایران، بازار تهران (ماخذ: ج. سهیلی، ۱۳۸۹)

معماری ملی گرا با گرایش به معماری پیش از اسلام

قرون هجدهم و نوزدهم میلادی توجه به باستان شناسی در اروپا و آمریکا و نیز تأسیس موزه‌ها به بالاترین حد خود رسید و این امر در تأثیری جدی در شکل‌گیری معماری گذاشت و ظهور دو شیوه نئوگوتیک و نئوکلاسیک حاصل این بینش بود. در ایران نیز به طور جدی از دوران پهلوی اول شاهد حضور شخصیت‌های علمی نظیر آرتور پوپ آمریکایی و آندره گدار فرانسوی در زمینه مطالعه و شناسایی معماری گذشته ایران هستیم. شکل‌گیری کنگره‌های مهم با رویکرد معرفی هنر باستانی ایران در سایر کشورها و نیز کنگره بین‌المللی هزاره حکیم فردوسی در ایران و تأسیس انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۴ از عواملی بود که توسعه باستان شناسی در کشور را موجب شد. بناهایی که در این دوران با گرایش ملی‌گرایی باستانی ساخته شدند در دو گونه ذیل قابل بررسی است (سهیلی و دیبا، ۱۳۸۹):

نخست بناهایی که در طراحی نمای آنها به طور قاطع از عناصر و نشانه‌های باستانی استفاده شد، مانند:

- ۱- آرامگاه فردوسی، اثر کریم طاهرزاده بهزاد، طوس، ۱۳۱۳
 - ۲- نمای شمالی مجلس شورای ملی، اثر کریم طاهرزاده بهزاد، تهران، ۱۳۱۵
 - ۳- کاخ شهربانی، اثر قلیچ باغلیان، تهران، ۱۳۱۵، تصویر ۵
 - ۴- صندوق پس‌انداز بانک ملی ایران، اثر هاینریش، تهران، ۱۳۱۵
 - ۵- مدرسه انوشیروان دادگر، اثر مارکف، تهران، ۱۳۱۵
 - ۶- غرفه ایران در نمایشگاه جهانی، اثر بروکسل، ۱۳۱۴
- و دوم بناهایی که طراحی احجام آنها براساس بناهای باستانی شکل‌گرفت، بدون آنکه مستقیماً تقلیدی از فرم‌ها یا عناصر معماری هخامنشی، اشکانی و ساسانی داشته باشند. از جمله آنها می‌توان به ساختمان‌های ذیل اشاره نمود (سهیلی و دیبا، ۱۳۸۹):

- ۱- وزارت امور خارجه، اثر گابریل گورکیان، تهران، ۱۳۱۶-۱۳۱۲، (تصویر ۶)
- ۲- موزه ایران باستان، اثر آندره گدار، تهران، ۱۳۱۴-۱۳۱۲



تصویر ۶- وزارت امور خارجه، اثر گابریل گورکیان، تهران (ماخذ: ج. سهیلی، ۱۳۸۹)



تصویر ۵- کاخ شهربانی (وزارت امور خارجه فعلی)، تهران (ماخذ: ج. سهیلی، ۱۳۸۹)

نتیجه گیری

از آغاز سال های ۱۹۲۰ میلادی، دو کشور ایران و ترکیه حکومت هایی را تجربه کردند که خواستار تحولات بنیادین در روش های حکومت و نحوه زندگی مردم بودند. این حکومتها از سویی چشم به پیشرفت ها و تمدن غرب داشتند و از سویی دیگر نیاز به بازخوانی تمدن های با شکوه گذشته و تعریف قدرتی تاریخی از کشور خود داشتند. پروژه تعریف هویت ملی با در نظر داشتن بستر های موجود ملی گرایانه هر کشور تحت تاثیر عواملی نظیر خواستگاه های مذهبی، کشف جنبه های تاریخی و باستانی، نفوذ کشورهای غربی، تاثیر پذیری نخبگان و فرهیختگان از غرب و تعامل حاکمان این دو کشور، موجب ظهور جنبش های ملی گرایانه شده بود (سهیلی و دیبا، ۱۳۸۹). از مشخصه های مشترک شیوه انقلابی رضا شاه و آتاتورک مفهوم اصلاحات از بالا (کل به جز) بود که ضرورتی برای اجرای مجموعه ای از قوانین و اصول برای توجیه رهبران اصلاح طلب و اجرای تعداد زیادی از پروژه های مدرن در بوروکراسی، صنعت، فن آوری، آموزش، حقوقی و سیستم اجتماعی و فرهنگی بود. (Yavuz & Tabibi, 2014) در ترکیه برنامه ساختمانی دهه ۲۰ به سرمایه گذاری های کاملاً الزامی و کارکردی اولویت می داد. یکی از این اولویت ها ساخت آنکارا بعنوان شهر پایتختی جدید با مجموعه فضاهای اداری و حکومتی مورد نیاز بود. در ترکیه، اگر چه معماری به طور مستقیم تحت اقتدار دولت نبود، ولی معماران جمهوری خواه و برنامه ریزان برای یک سازماندهی مناسب در شکل و فرم معماری مدرن و سکولار غربی به سیاست و قدرت های سیاسی متوسل شدند (Althusser, 2006). تاریخ معماری معاصر ترکیه نیز تحت تاثیر حرکتی پرتکاپو بین نفوذ مدرنیته و گرایش های ملی گرایی، تحت تأثیر سیاست های دولت حاکم ترکیه قرار گرفته بود. عمده ویژگی پروژه های دوران فوق تکرار خصوصیات معماری عثمانی بوده است. در جدول شماره ۱ به بررسی اجمالی نقش نظام حکومتی در جنبش های ملی گرایانه معماری ترکیه و نمونه های اجرا شده معماری در آن دوران پرداخته شده است (سهیلی و دیبا، ۱۳۸۹).

جدول ۱- تأثیرگذاری نظام حکومتی در ظهور جنبش های ملی گرایانه معماری ترکیه (مأخذ: ج. سهیلی)

رویکردهای ملی گرایی	رویکرد های ملی گرایانه نظام حکومتی	جنبش های معماری ملی گرا	خصوصیات گرایش های معماری ملی گرا	نمونه اثر معماری
اولین جنبش ملی معماری ۱۹۳۸-۱۹۲۳	۱- ملی گرایی تلقیح شده در ایده آل های جمهوری خواهی ۲- فشارهای خارجی، عدم انسجام داخلی و عدم رفاه ملت ۳- فرمول دوگانه ضیاء گوک آلپ ۴- توسعه آنکارا به عنوان شهری مدرن که موفقیت رژیم جمهوری تشخیص داده شد	دوره گذار	۱- ظهور ویژگی های معماری عثمانی در نمای ساختمانها ۲- کاربرد پنجره ها با قوس های تیز ۳- طراحی کلی پلان های محوری و متقارن همسو با نئوکلاسیسیم اروپایی ۴- خطوط و فرم های مشتق از معماری سلجوقی، عثمانی و اسلامی در عناصری مثل ستون ها، سرستون ها، طاق ها، درها، پنجره ها و غیره	۱- موزه مردم شناسی ۲- مجلس بزرگ ملی ۳- هتل پالاس ۴- انجمن اخوت ترک ۵- انستیتو آموزش غازی ۶- مدیریت کل انحصارات ۷- آی. اس. بانک ۸- بانک کشاورزی

در ایران نیز از میان سه گرایش ملی گرای لیبرال، مذهبی و باستانگرا، در حوزه معماری دو گرایش اول و آخر توانست به عنوان منبع ظهور جنبشهای ملی گرا در سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی (۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ میلادی) موثر واقع شود، به گونه ای که در آثار ارائه شده توسط این گروه از معماران ضمن بهره گیری از برخی عناصر و تزئینات معماری قبل و بعد از اسلام و معماری قبل از اسلام در نما و فضای داخلی ساختمان ها توجه به کاربرد الگوهای معماری مدرن غرب در آثار آنها دیده می شود. چنین به نظر می رسد که سیاست دین دوستی در دهه اول و دین گریزی در دهه دوم حکومت رضا شاه از یک طرف و حضور برخی معماران خارجی نظیر نیکلادی مارکف و معماران تحصیل کرده در خارج از کشور نظیر کریم طاهر زاده بهزاد از طرف دیگر موجب ارائه آثاری با رویکرد التقاط عناصر معماری قبل و بعد از اسلام شده است (جدول شماره ۲) (سهیلی و دیبا، ۱۳۸۹).

در سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۴، در طرح انقلابی آتاتورک و رضا شاه، معماری در ایران و ترکیه بعنوان یک ابزار مناسب در هدف سیاستمداران برای شکل دهی به برنامه های غربی آنها تبدیل شد. مدت کوتاهی پس از کودتای نافرجام در سال ۱۹۲۱ و استقرار سلسله پهلوی در ایران، معماری خدمتی برای سلسله جدید و قدرت سیاسی بود. در این دوران شاه درگیر بازسازی

کلان شهر، نظارت بر جزئیات این بازسازی ها، انتخاب معماران و همچنین انتخاب بهترین سبک معماری برای پیکربندی مجدد این شهرها طبق سیاست های خود بود. بطور کلی می توان گفت اواخر ۱۹۳۰ تهران و آنکارا، ویتربنی برای نمایش چشم انداز سیاسی حکام گردید مانند ساختمان بانک ملی ایران و مرکز درمانی ترکیش هارت. از ویژگی های ابتدائی پایتخت مدرن که شامل ویژگی های مدرن در تاریخ ایران نیز می باشد، احیای تعداد زیادی از ساختمان های دولتی و اداری در کنار معماری مونومنتال که در دوره هخامنشی و ساسانی استقرار یافته اند، بود. هدف از این ساختارها، درک فضای بومی و محلی در زمین و منطقه و درک اینکه این فضا و ساختار متعلق به هویت و بوم مردم ایران است، بود (Grigor,2006). لذا در یک جمع بندی کلی می توان سیاست های حکومتی موثر در ظهور جنبش های ملی گرایانه معماری ایران و ترکیه در ۱۰ سال بین سالهای ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۵ را به شرح جدول ۳ دسته بندی و معرفی نمود (سهیلی و دیبا، ۱۳۸۹):

جدول ۲- تأثیرگذاری نظام حکومتی در ظهور جنبش های ملی گرایانه معماری ایران ۱۳۲۰=۱۳۰۱ هجری شمسی (مأخذ: ج.

سهیلی)

نمونه اثر معماری	خصوصیات گرایش های معماری ملی گرا	جنبش های معماری ملی گرا	رویکرد های ملی گرایانه نظام حکومتی	رویکردهای ملی گرایایی
۱- کاخ دادگستری تهران ۲- بانک ملی تبریز ۳- بانک ملی بازار تهران ۴- بانک ملی شیراز	۱- به کار گیری الگوهای معماری مدرن غرب در طراحی احجام ۲- بهره گیری از برخی تزئینات معماری قبل از اسلام در بخش هایی محدود از نما ۳- کیفیت ساخت و ساز و مصالح، بیشتر به معماری متداول در غرب متمایل است.	گرایش به معماری مدرن غرب	۱- رسیدن به سطح بالایی از پیشرفت و ترقی ۲- حضور مستشاران آلمان فاشیسم در حوزه های مختلف ۳- احداث مدارس، کارخانجات و ... به سبک مدرن ۴- تبعیت کاربرد تکنولوژی ساخت و مصالح بر اساس ویژگی های معماری مدرن ۵- پیروی از غرب و اخذ تمدن اروپا	لیبرال (مدرن)
۱- ساختمان مرکزی پست ۲- بیمارستان شاه رضا ۳- کالج آمریکای یها ۴- مدرسه ایرانشهر یزد	۱- حفظ عناصر و تزئینات معماری بعد از اسلام ۲- ترکیب با عناصر و تزئینات معماری قبل از اسلام در بعضی مواقع. ۳- تأمین نیازهای جدید و الگوی زندگی مدرن	گرایش به معماری پس از اسلام	نظام حکومتی ایران به صورت مستقیم و مداوم از طریق عقاید مذهبی مردم قصد تأثیر گذاری نداشته است و این گرایش بر اساس آموخته های معماران در خارج از ایران و توجه به زمینه های تاریخی بعد از اسلام و احترام به عقاید مذهبی مردم صورت پذیرفته است.	مذهبی
۱- مدرسه انوشیروان ۲- نمای شمالی مجلس شورای ملی ۳- کاخ شهربانی ۴- آرامگاه فردوسی	۱- استفاده مستقیم از عناصر و تزئینات معماری قبل از اسلام ۲- عدم توجه به الگوی طراحی پلان ها و فضاهای معماری پیش از اسلام	به گرایش معماری اسلام پیش از	۱- تأکید بر شناسایی تاریخ کهن و باستانی ایران ۲- دعوت از مستشرقین و باستان شناسان غربی ۳- عظمت تاریخی ایران پیش از اسلام	باستانگرا

۱-موزه ایران باستان ۲- بانک ملی اصفهان ۳-وزارت امور خارجه	۱-طراحی احجام بر اساس تجرید بناهای پیش از اسلام ۲- عدم تقلید مستقیم از عناصر و تزئینات معماری پیش از اسلام ۳-معماری باید معرف شخصیت زمان خود باشد	۴-زدودن آثار فرهنگی اعراب ۵- توجه به دین زرتشت ۶- شکل گیری کنگره های مهم با رویکرد معرفی هنر باستانی ایران
---	---	--

جدول ۳- مقایسه تطبیقی سیاست های حکومتی مؤثر در ظهور اولین جنبش های ملی گرای معماری ایران و ترکیه (مأخذ: ج. سهیلی)

ترکیه	ایران	دوره های تاریخی	
		شمسی	میلادی
۱- ترمیم شهر های آناتولیایی که در جنگ تخریب شده بودند و ملی سازی ساختمان های نیمه تمام ۲- اراده دولت بر رها سازی خود از تصویر عثمانی ۳- ساخت و توسعه آنکارا به عنوان شهری مدرن ۴- مستحکم شدن روابط آنکارا با اتحاد شوروی و ایتالیا که موجب تبلیغ دستاوردهای این دو کشور در زمینه ملی گرایی جدیدشان بود. ۵- برگزاری "سمینار معماری ملی" توسط سادات حکمی الدم، در سال ۱۹۳۴ ۶- برگزاری نمایشگاه معماری فاشیستی ایتالیا در آنکارا در سال ۱۹۳۴ و برگزاری نمایشگاه معماری فاشیستی آلمان در سال ۱۹۳۴	۱- حضور شخصیت های علمی نظیر آرتور پوپ آمریکایی و آندره گدار فرانسوی در زمینه مطالعه و شناسایی معماری گذشته ایران ۲- شکل گیری کنگره های مهم با رویکرد معرفی هنر باستانی ایران در سایر کشورها و نیز کنگره بین المللی هزاره حکیم فردوسی در ایران ۳- تأسیس انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۴ ۴- تمجید دستاوردهای سیاسی و فرهنگی قبل از اسلام برای ایجاد ایرانیت ناب از نوع هخامنشی و ساسانی ۵- کنار گذاشتن نشانه های فکری و عملی دین اسلام که در تعبیر آن دوره، عقب ماندگی و مانعی برای توسعه محسوب می شد. ۶- تقویت آئین زرتشت به منظور وجه المصلحه قرار دادن برای اقتدار باز یافته دوران پیش از اسلام. ۷- اندیشه عده ای از معماران دوره پهلوی اول که تحت تأثیر آموزش ایشان در خارج از ایران بوده است، در ظهور جنبش های ملی معماری مبتنی بر گرایش های مذهبی ایران مؤثر بوده است.	۱۳۱۴	۱۹۳۵
		۱۳۰۴	۱۹۲۵

منابع

۱. اسدی، بیژن، ۱۳۷۹، دانشنامه نخبگان خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۲. بهنام، جمشید، ۱۳۸۶، ایرانیان و اندیشه تجدد. چاپ سوم. نشر و پژوهش فرزاد روز. تهران.
۳. حسن پور، ناصر و حسین سلطانزاده، ۱۳۹۵، عوامل پس زمینه تحولات معماری معاصر ایران در دوران پهلوی دوم و مقایسه تطبیقی آن با ترکیه، نشریه باغ نظر، سال سیزدهم، شماره ۴۴.
۴. سهیلی، جمال الدین و داراب دیبا، ۱۳۸۹، تأثیر نظام های حکومتی در ظهور جنبش های ملی گرایانه معماری ایران و ترکیه، نشریه باغ نظر، سال هفتم، شماره ۱۴.
۵. فرهادی، محمد و علی کاظمی، ۱۳۹۶، بررسی نقش نخبگان سیاسی ایران و ترکیه در توسعه سیاسی، مطالعات جامعه شناختی، دوره ۲۴، شماره یک.
۶. قبادیان، وحید، ۱۳۹۵، سبک شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران، چاپ دوم، موسسه علم معمار رویال، تهران.
۷. کیانی، مصطفی، ۱۳۸۳، معماری دوره پهلوی اول. چاپ اول. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. تهران.

۸. میرزاعلی پور، فروغ و حامد کامل نیا، ۱۳۹۴، بررسی مولفه سیاسی در شکل گیری معماری ایران و ترکیه، دومین کنگره بین المللی افق های جدید در معماری و شهرسازی با رویکرد توسعه و فناوری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
9. Abrahamian, Ervand, 2008, A History of Modern Iran. Cambridge University Press: London.
 10. Althusser, L., 2006, *İdeoloji ve Devletin İdeolojik Aygıtları*, trans., Tümertekin, İstanbul: İthaki Yayınları, pp. 022.
 11. Bill, J and Sprinborg, R, 2000, *Politics in Middle East*. London: Longman.
 12. Bozdogan, S., 2001, "Modernism and Nation Building", Seattle and London: University of Washington Press, pp. 059. *International Journal of Social Science and Humanity*, Vol. 2, No. 5, September, 214.
 13. Grigor, T., 2006, "The (inter)National of an uneven modernity: Architectural politics in Pahlavi Iran", in *Modern Architecture in the Middle East*, DoCoMo MO International, p. 22, 29.
 14. Holod, Renata-Evin, Ahmet-Ozkan, Suha, 2005, *MODERN TURKISH ARCHITECTURE*. published by the chamber of Architects of Turkey. Second edition. Ankara.
 15. Jung, D. and Piccoli, W., 2001, *Turkey at the Crossroads; ottoman Legacies and a Great Middle East*. London: Redbooks.
 16. Karpat, K, 1959, *Turkey's Politics*. Princeton University Press.
 17. Katouzian, Homa, 2004, *State and Society under Reza Shah*. In *Men of Order; Authoritarian Modernization under Ataturk and Reza Shah*. Touraj Atabaki and Erik J. Zürcher (Eds). I. B. Tauris & Co. Ltd: London.
 18. Tekeli, I., 2005, "The social context of the development of architecture in turkey", In *Modern Turkish Architecture*. Edited by Holod, R. & Evin, A. Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
 19. Yavuz, E. and Tabibi, B., 2014, "Questioning the Paradoxes of "Other" Maternities: Uncovering Architecture in the Political Agenda of Iran and Turkey 1920-1940", *International Journal of Social Science and Humanity*, Vol. 4, No. 5.
 20. <https://fa.w>